

جنسیتی، قدرت قومیتی، قدرت سیاسی، ... از فرد می‌طلبد که به جایگاه خود قانع باشد و لازم بداند که کسانی در مراتب بالاتر بر او سیطره و برتری داشته باشند. اصولاً ثبات سیاسی ای که قدرت حاکم می‌کوشد به هر قیمتی آن را حفظ کند، در درجه‌ی نخست با گردن نهادن به مراتب قدرت امکان‌پذیر می‌شود. «پاینده، ۱۳۹۷، ۲۹۶». در فیلم سگ‌کشی می‌بینیم که چطور اسطوره‌ی زن معاصر در لایه‌های ضمنی خود با باور به جبر در برابر گفتمان مرد سالار به دنبال آن در برابر سایر سلسله‌مراتب قدرت کوتاه آمده و با قرار گرفتن در مسیری که آن‌ها برایش تدارک دیده‌اند، به تلاش جهت تداوم گفتمان قدرت می‌شتابد. فیلم سگ‌کشی اگرچه در زمانه‌ی اکران خود برای بازنمایی یک زن امروزی متنی پیشرو محسوب می‌شد و توانسته بود با آشنایی‌زدایی‌هایی در ظاهر، مکان‌ها و موقعیت‌هایی که زن فیلم با آن دست-و‌پنجه نرم می‌کند دست به تعدیل و تغییرهایی در سطحی از زنانگی بزند اما در این متن نشان دادیم که بیشتر این تغییرات در لایه‌ی سطحی و ظاهری نشانه‌ها متمرکز شده و در مفاهیم عمیق‌تری چون فداکاری زنانه، وفاداری زنانه، بخشش زنانه، آبروداری زنانه و غیره همچنان با بازتولید مفاهیم سنتی به نفع گفتمان قدرت سروکار داریم. فیلم سگ‌کشی با نشان دادن نگاه ابزاری جامعه‌ی مردسالار به زنان، تنها در سطح بازنمایی مانده و با همراهی گلرخ کمالی تا لحظه‌ی آخر با همسرش و اجتناب از هرگونه کنش واضح انتقادی بر علیه شرایط موجود، گفتمان انفعال را برگزیده و در حوزه‌ی گفتمان زنان نمی‌تواند واحد نگرشی انتقادی باشد.

منابع:

ابادری، یوسف. (۱۳۹۰)، رولان بارت، «اسطوره و مطالعات فرهنگی»، ارغنون، ش ۱۸، ص ۱۳۷-۱۵۷.

بارت، رولان. (۱۳۷۳ الف)، «زائر تا متن»، ترجمه‌ی مراد فرهادپور، ارغنون، ش ۴، ص ۵۷-۶۶.

بارت، رولان. (۱۳۷۵)، اسطوره امروز، ترجمه‌ی شیرین دخت دقیقیان، چاپ هفتم، نشر مرکز، تهران.

بارت، رولان. (۱۳۸۰ الف)، «اسطوره در زمانه حاضر»، ترجمه‌ی یوسف ابادری، ارغنون، ش ۱۸، ص ۸۵-۱۳۵.

پاینده، حسین. (۱۳۹۷)، نظریه و نقد ادبی در سنامه‌ی میان‌رشته‌ای، جلد دوم، چاپ اول، نشر سمت، تهران.

چندلر، دانیل. (۱۳۸۷)، مبانئ نشانه‌شناسی، ترجمه‌ی مهدی پارسا، چاپ سوم، نشر سوره‌ی مهر، تهران.

سجودی، فرزانه. (۱۳۹۳)، نشانه‌شناسی کاربردی، چاپ سوم، ویرایش دوم، نشر علم، تهران.

هیوارد، سوزان. (۱۳۸۱)، مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمایی، ترجمه‌ی فتاح محمدی، چاپ اول، نشر هزاره‌ی سوم، زنجان.



زن امروز در سگ‌کشی چنان بازنمایی می‌شود که گویی برای قوی‌تر بودن باید از بروز احساساتی چون درد ورنج چشم‌پوشد تا در نظام مردسالارانه جدی گرفته شده، قوی جلوه کرده و در مبارزه‌ی جامعه‌ی سرمایه‌داری موفق باشد

بندازی گردن خودت» و گلرخ اصرار دارد که چرا چرا و می‌خواهد جبران کند (دقیقه‌ی ۲۵). این چنین زنی است که در طی این متن با بخشش دیگری ارج نهادینه می‌شود. نشان دادیم که چگونه یکی دیگر از مفصل‌بندی‌های نظام ارزشی این گفتمان آبروداری و حفظ ظاهر است. زن رنج خود را در جامعه انکار می‌کند. این گفتمان تا جایی پیش می‌رود که او ویتروینی از خوشبختی و یا شرایط عادی را برای پدرش به تصویر می‌کشد و در نهایت این انکار به سراسر متن تسری پیدا کرده و زن با انکار و یا تقلیل رنج خود و یک امیدواری به آینده در برابر گفتمان مردسالارانه‌ی موجود، عمل کرده و دست به کنشی معناساز نمی‌زند. (اگرچه نگارنده معتقد است که نوشتن رمان سگ‌کشی توسط گلرخ در انتهای فیلم می‌تواند به نوعی کنشی در این جهت محسوب شود اما این کنش در برابر ستیز اعمال‌شده و آسیب‌های بازنمایی شده هم‌ارز نبوده و بسیار کم‌مایه به آن پرداخته شده است). در سگ‌کشی زن نگران و فداکار است. در این فداکاری تا پای جان و تعرض پیش می‌رود و این نوع از فداکاری است که در گفتمان این فیلم شایسته‌ی تقدیر بازنمایی می‌شود. او خود را در چنین فداکاری مجبور می‌داند و معتقد است که راهی جز خطر کردن و همراهی با مرد معاصرش ندارد. «در واقع، رابطه‌ی متقابل بین باور به تقدیر و کرنش در برابر قدرت وجود دارد. سلسله مراتب قدرت در همه‌ی جلوه‌هایش (قدرت اقتصادی، قدرت

متن و به دنبال آن، گفتمان‌ش طبیعی جلوه داده می‌شود (آپاراتوس). در این میان به خنثی نبودن فیلم سگ‌کشی در برابر موضع‌گیری‌های گفتمانی، ابراز توجه منتقدان و تماشاگران و جایگاه ویژه‌ی فیلم پس از اکران و داشتن مؤلفی چون بهرام بیضایی اشاره کرده و توضیح دادیم که در چنین شرایطی اخذ یک رویکرد انتقادی علاوه بر ضروری بودن، چگونه می‌تواند دشوار نیز باشد. در ادامه به تبیین نشانه‌شناسی اسطوره از دیدگاه بارت پرداختیم و گفتیم که از نظر بارت اسطوره‌ها نه آن باورهای افسانه‌ای بلکه ایدئولوژی‌های غالب زمانه‌ی ما هستند و نشانه‌ی سطح دوم، مصداق بارز اسطوره است. برای رمزگشایی اسطوره در فیلم سگ‌کشی ابتدا استدلال کردیم که دال اصلی و مرکزی فیلم، «زن» و «زنانگی» است و سپس به این موضوع پرداختیم که این نشانه در سطح نخست چگونه و با چه رمزگانی شکل می‌گیرد. به بررسی رمزگان زنانگی گلرخ در نام‌گذاری، ظاهر سر و صورت، پوشش، زیبایی، دغدغه‌ها، شغل، مکان‌هایی که به آن تردد می‌کند، نظام ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، مهارت‌ها و توانایی‌ها، جسارت، زیرکی و زاینده‌ی زنانه‌اش پرداختیم. سپس نشان دادیم که نشانه‌ی سطح اول چگونه در جایگاه دال نشانه‌ی سطح دوم دست‌آویزی برای ساخت اسطوره‌ی معاصر می‌شود و با الصاق دلالت‌های ارزشی دیگری از جمله عدم بروز احساسات، گذشت و بخشش، نگرانی و فداکاری، تنهایی و حفظ ظاهر، انکار و تقلیل رنج و در نهایت باور به نوعی جبر، نشانه‌ی سطح دوم یا اسطوره ساخته می‌شود. دیدیم که این اسطوره چون یک ترند بلاغی در متن مورد استفاده قرار می‌گیرد تا گفتمان‌های پنهان در متن را به راحتی بدیهی‌سازی و بازتولید کند؛ طوری که در وهله‌ی نخست ایدئولوژی موجود در این نظام نشانگانی خالی از خلل، مقتدرو بدیهی به‌نظر می‌رسد.

زن امروز در سگ‌کشی چنان بازنمایی می‌شود که گویی برای قوی‌تر بودن باید از بروز احساساتی چون درد ورنج چشم‌پوشد تا در نظام مردسالارانه جدی گرفته شده، قوی جلوه کرده و در مبارزه‌ی جامعه‌ی سرمایه‌داری موفق باشد. گفتمان این متن فیلمیک مانند گفتمان‌های پیشین خود، زن معاصر را در برج عاجی می‌نشانند که در آن مقام و جایگاه زن چنان رفیع است که باید برای همه از جمله جامعه‌ی مردسالارانه دلسوزی کند، همه را لایق گذشت و بخشایش بداند ولی خودش را نبخشد و برای تنبیه خودش بگوید که: «هرچه سخت‌تر بهتر، بذار جبران کنم» (دقیقه‌ی ۳۴). زن خود را مقصر وضعیت موجود می‌داند و در برابر فرشته که می‌گوید: «ولی هرچی شده، تقصیر تو که نبود.» سرش را پایین می‌اندازد و می‌گوید: «شاید بود. شاید آگاه مونده بودم این اتفاق این‌ریختی نمی‌افتاد» و فرشته باز می‌گوید: «لازم نیست همه چیو

